



The Method of *Shahīd al-Ṣadr* in Applying Probability Theory to the Validation of the *Aḥādīth al-Mursal* of *Ibn Abī ‘Umayr* and Its Limitations

Mohammadreza Khojasteh Rahimi¹ ; Ali Elahi Khorasani²

1. Three-level Student at Mashhad Seminary, Mashhad, Iran; khojasteh161611059@gmail.com
<https://orcid.org/0009-0003-1087-289X>

2. Researcher at the Islamic Research Foundation, Islamic Research Foundation, Mashhad, Iran.
parsayan.ali@gmail.com ; <https://orcid.org/0000-0001-5608-7449>

Article Info

ABSTRACT

Article Type:

Research Article

Article History:

Received 26 May 2025

Received in revised form
11 November 2025

Accepted 12 November
2025

Keywords:

Aḥādīth al-Mursal of Ibn
Abī ‘Umayr; Probability
Calculus; Shahīd al-
Ṣadr’s Methodology in
‘Ilm al-Rijāl; Shahīd
al-Ṣadr.

One of the most significant points of contention in *‘ilm al-ri-jāl* concerns the validity of *aḥādīth al-mursal* (reports with an incomplete chain of transmission) and the extent to which one may rely on the testimony (*shahādah*) of Shaykh al-Ṭūsī regarding the reliability of certain transmitters. Statements such as “They do not narrate or transmit except from a trustworthy and reliable person” have long been debated. A number of Uṣūlī scholars, including Āyatullāh al-Khū‘ī, maintain that a general principle cannot be invoked in the presence of doubt concerning specific cases.

Shahīd al-Ṣadr, drawing upon his distinctive epistemological framework and his development of a logic of probability (*iḥtimāl*), proposed an alternative approach to addressing this problem. By articulating a theory of probability calculus and applying it to the *aḥādīth al-mursal* of Ibn Abī ‘Umayr, he argues that the likelihood of an omitted weak transmitter within the chain of transmission is negligible. On this basis, he contends that the validity of such *mursal* reports may be affirmed.

Cite this article:

Khojasteh Rahimi. M & ElahiKhorasani. A (2026). “The Method of Shahīd al-Ṣadr in Applying Probability Theory to the Validation of the Aḥādīth al-Mursal of Ibn Abī ‘Umayr and Its Limitations” . *Methodology of Islamic Studies*. 2(2); 127-151.



© 2025 / The Author(s) retain the Copyright and full publishing rights.

Publisher: Islamic Propagation Office of Qom Seminary- Khorāsān-e-Razavi Branch. DOI:<https://doi.org/10.22081/mis.2025.71962.1064>

The present study outlines the epistemological foundations of Shahīd al-Ṣadr's approach, explains his application of probability calculus to the validation of aḥādīth al-mursal, and critically examines the principal objections raised against it. The findings indicate that, notwithstanding certain theoretical and methodological challenges, Shahīd al-Ṣadr's method represents one of the most innovative contributions to the validation of aḥādīth al-mursal and to methodological development in the principles of 'ilm al-rijāl and probability of logical reasoning.

روش شهید صدر در به‌کارگیری حساب احتمالات در حجیت مراسیل ابن ابی عمیر و محدودیت‌های آن^۱

۱. محمدرضا خجسته رحیمی : ۲. علی الهی خراسانی

۱. پژوهشگر مرکز تخصصی دأالفقه مشهد، طلبه سطح سه حوزه علمیه مشهد، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

https://orcid.org/000_khojasteh161611059@gmail.com

۲. دانش‌آموخته مقطع دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه عدالت و پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی

آستان‌قدس‌رضوی، مشهد، ایران. رایانامه: parsayan.ali@gmail.com

روش شهید صدر
در به‌کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت‌های آن

۱۲۹



تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۰۵

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۱

چکیده

از مهم‌ترین مباحث اختلافی در علم رجال، اعتبار مراسیل ابن ابی عمیر و استناد به شهادت شیخ طوسی درباره وثاقت مشایخ اوست. این گفته شیخ که «لا یروون و لا یرسلون إلا عن ثقة» همواره مورد مناقشه واقع شده؛ چراکه به گفته بسیاری از اصولیان، از جمله آیت‌الله خویی، نمی‌توان در شبهات مصداقیه به دلیل عام تمسک کرد. شهید صدر باتکیه بر نظریه معرفت‌شناختی خاص خود و توسعه منطقی احتمال، روشی بدیل برای حل این معضل ارائه داده است. وی با تبیین نظریه «حساب احتمالات» و تطبیق آن

۱. خجسته رحیمی، محمدرضا و الهی خراسانی، علی (۱۴۰۴). «روش شهید صدر در به‌کارگیری حساب

احتمالات در حجیت مراسیل ابن ابی عمیر و محدودیت‌های آن». دوفصلنامه روش‌شناسی علوم اسلامی.

 <https://doi.org/10.22081/mis.2025.71962.1064>

۱ (۲): ۱۲۷-۱۵۱.



© ۱۴۰۴. نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند.

ناشر: مرکز تخصصی آخوند خراسانی دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی.

بر مرسلات ابن ابی عمیر، نشان می‌دهد که احتمال ضعیف بودن واسطه محذوف بسیار ناچیز است و بدین ترتیب می‌توان به حجّت مراسیل حکم کرد. این مقاله ضمن تبیین مبانی روش شناختی شهید صدر، شیوه به کارگیری حساب احتمالات در اعتبارسنجی مراسیل را توضیح داده و مهم‌ترین اشکالات وارده به آن را واکاوی و تحلیل می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روش شهید صدر، با وجود برخی چالش‌ها، یکی از نوآورانه‌ترین راهکارها در اعتباربخشی به مراسیل و توسعه روشی در اصول رجال و منطق احتمال به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: مراسیل ابن ابی عمیر، روش حساب احتمالات، روش شناسی رجالی شهید صدر، شهید صدر.

۱. مقدمه

۱-۱. گذار شهید صدر از معرفت‌شناسی ارسطو

یکی از نظریه‌های شهید صدر رحمته‌الله علیه که سنگ بنای معارف دیگر بوده و آثار آن در علوم و عرصه‌های مختلف چشمگیر است، راه جدیدی است که او در معرفت‌شناسی گشود و براساس آن، نظام معرفتی خویش را بنا کرد. البته او در ابتدا از طرفداران رویکرد معرفتی ارسطو بود و حتی کتاب فلسفتنار را نیز براساس آن مبانی که مورد قبول مشهور فلاسفه است، نگاشت؛ اما بعد از مدتی نسبت به این مبانی دچار تردید شده و شروع به بازنگری در آن‌ها کرد. نقطه آغاز این تردید آنجا بود که ارسطو یقینات را منحصر در «بدیهیات» و «نتیجه قیاس برهانی» می‌دانست و معتقد بود تمامی معرفت‌های بشری از راه برهان به‌دست می‌آید. دو اشکال نسبت به این روش معرفتی وجود دارد. اشکال نخست، مربوط به برهان است. برخلاف تصور ارسطو قیاس برهانی هیچ‌گاه نمی‌تواند مولّد علم جدیدی باشد، بلکه تنها آنچه را که معلوم است، تفصیل می‌دهد؛ زیرا این قیاس می‌خواهد از مقدماتی یقینی، معرفتی نو بدست آورد؛ اما هیچ‌گاه این اتفاق رقم نمی‌خورد. چون علم به نتیجه، همیشه در درون علم به کبری وجود دارد و تنها کاری که برهان می‌کند، آن است که این علم را که اجمالاً در دل کبری نهفته است، به تفصیل در می‌آورد

روش‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۳۰

و انسان را متوجه آن می‌کند. برهان تنها به ما کمک می‌کند تا به آنچه می‌دانیم، التفات و توجه کنیم. اما اشکال دوم که شهید صدر آن را عامل اصلی عدول از نظریه ارسطو معرفی می‌کند، اشکالی بود که اخباریان شیعه در مقابل اصولیان مطرح کرده بودند؛ اینکه چرا روش ارسطویی که مدّعی صیانت فکر از خطاست و طی سالیان متمادی در علوم عقلی جریان داشت و به آن عمل می‌شد، نتوانست برطرف‌کننده اختلافات باشد و حتی با وجود آن، به اختلافات بیشتر دامن زده است (هاشمی‌شاهرودی، ۱۴۳۳ق، ۴/۱۲۶-۱۳۰).

۱-۲. شهید صدر و منطق احتمال

مبانی شهید صدر رحمته‌الله در دلیل استقراء و منطق احتمال در علوم مختلف کاربردهای چشمگیری دارد. در منطق، «منطق ذاتی» در مقابل منطق ارسطو قرار می‌گیرد و در منطق قضایا، آرای نوینی مطرح می‌شود. در فلسفه، قانون سببیت به گونه‌ای متفاوت و ابتکاری در مقایسه با مکتب عقلی و تجربی بیان می‌شود، و در معرفت‌شناسی، نظریه توالد ذاتی طرح می‌شود. در دانش کلام، وجود صانع حکیم با احتمالات مشروط و مستقل ثابت می‌شود و نبوت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و تعیین امام علی علیه‌السلام با دلیل استقرایی به اثبات می‌رسد (حیدری، ۱۴۲۵ق، ۳۵۳).

در اصول‌فقه، تواتر و اجماع براساس حساب احتمالات به گونه‌ای نو صورت‌بندی و تحلیل می‌شود. در اصول علم رجال، مرسلات مشایخ ثقات با حساب احتمالات به حجیت می‌رسد. به‌طورکلی واژه‌های «حساب احتمال» و «حساب احتمالات» ۲۶۶ بار در کتب مختلف شهید صدر آمده است (ابوزید العالمی، ۱۴۲۸ق، ۶۶).

شهید صدر تعریف اصلی احتمال و نیز تعریف راسل را نقد می‌کند و خود با بررسی‌های دقیق، احتمال را براساس علم اجمالی تعریف می‌نماید. وی چنین می‌نویسد: «احتمالی که می‌توان مقدار آن را مشخص نمود، همیشه عضوی از مجموعه احتمالاتی است که در قالب یک علم اجمالی نمودار می‌شود و مقدار آن همواره برابر حاصل تقسیم مقدار و ارزش یقین، بر تعداد اعضای مجموعه اطراف علم اجمالی است که در قالب آن علم نمودار می‌شود. به عبارت دیگر احتمال در

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت‌های آن
۱۳۱

بیان تعریف، نه یک رابطه و نسبت قراردادی میان دو پیشامد است و نه صرف تکرار وجود یک مجموعه در اعضای مجموعه دیگر؛ بلکه احتمال، تصدیقی ناقص و درجه‌ای معین از درجات احتمال است. این تصدیق نشان‌دهنده یک احتمال ریاضی است. درحقیقت یک استنباط ریاضی و منطقی از بدیهیاتی است که برای نظریه احتمال فرض شده است» (صدر، ۱۴۳۷ق، ۲۰۴-۲۰۵).

اما اصل معرفت‌شناختی مبنای شهید صدر در منطق احتمال را تنها عبدالکریم سروش در سال‌ها پیش بررسی کرده است (سروش، ۱۳۸۵، ۴۳۷). به این نقد، ۳ پاسخ در قالب ۲ مقاله و یک کتاب گفته شده است (هادوی‌تهرانی، ۱۳۷۰ الف، سرتاسر؛ هادوی‌تهرانی ب، ۱۳۷۰، ۳۷؛ خسروپناه، ۱۳۸۳، ۱۸؛ ابوریغیف، ۱۴۰۹ق، سرتاسر) چراکه سروش تنها به نقد نظر شهید صدر در معرفت (توالد ذاتی) پرداخته است و تعریف ایشان از احتمال را بررسی نکرده است. برخی محققان دیدگاه شهید صدر در تفسیر احتمال به علم اجمالی را بررسی کرده‌اند و تأملاتی در آن داشته‌اند (مروارید، ۱۳۸۸، ۴۰).

روشن‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۳۲

۱-۳. خاستگاه و سابقه تاریخی روش شهید صدر در اعتبارسنجی مراسیل ابن ابی عمیر

سخن از مراسیل ابن ابی عمیر به بخش «توثیقات عامه» و قاعده مشایخ ثقات در اصول علم رجال بر می‌گردد. عمل به مراسلات مشایخ ثلاثه یعنی محمدبن ابی عمیر، احمدبن محمدبن ابی نصر بن زنی و صفوان بن یحیی همواره در طول تاریخ فقه و رجال‌الحديث مورد قبول و رد بوده است. سیر تطور دیدگاه‌های فقیهان شیعه در بهره‌گیری از مراسیل ابن ابی عمیر و حجیت آن نیز گواه این مطلب است (ربانی‌پیرجندی، ۱۳۸۲، ۲۸۹).

نسبت به تطبیق «حساب احتمالات» بر حجیت مراسیل ابن ابی عمیر، پیش از تلاش شهید صدر در دروس خود، اثری از دیگران دیده نمی‌شود. پیش از ایشان کسی به کارگیری روش حساب احتمالات در اعتبارسنجی رجال به‌ویژه مراسلات ابن ابی عمیر توجهی نکرده است. تنها آیت سیستانی در رساله‌ای غیرمنتشره با عنوان

«مراسیل ابن ابی عمیر» به این مسئله پرداخته است.^۱ البته تاریخ نگارش این رساله تقریباً همزمان با دروس خارج فقه شهید صدر است (صدر، ۱۴۰۸ق. ۱/۴۴). زمان نگارش رساله آیت الله سیستانی - بنابر نسخه برداری شاگرد ایشان، شیخ مهدی مروارید - سال ۱۳۸۲ق ذکر شده است.

١-٤. ييشينه تحقيق

اگرچه که مقالاتی دربارهٔ روش حساب احتمال از منظر شهید صدر نوشته شده است؛ اما در مورد تطبیق روش حساب احتمال در مباحث رجالی تنها یک عنوان و چکیده از محمد عبادتی در سایت مؤسسهٔ آموزشی فقهی ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام انتشار یافته که دسترسی به اصل مقاله هم ممکن نیست. در چکیدهٔ مذکور تنها به گزارهٔ تأثیر حساب احتمال در تصحیح مراسیل بسنده شده و هیچ توضیح اضافی نیامده است.

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت های آن

۱۳۳

۱. آیت‌الله سیستانی در رساله غیرمنتشره «مراسیل ابن ابی عمیر» اشکال آیت‌الله خوئی در عمل به مراسیل (تمسک به عام در شبهه مصداقیه) را ذکر می‌کند و براساس تبیین علم اجمالی بر اساس حساب احتمالات به توضیح این اشکال و پاسخ‌بدان می‌پردازد (پیوست ۱). وی بیان می‌دارد که به‌فصل این مبنا را در علم اصول توضیح دادیم، پُر فایده است که عبارات آیت‌الله سیستانی در پایان این رساله - که مربوط به تصحیح مراسیل ابن ابی عمیر بر اساس حساب احتمالات است - نقل شود:

«بقى شيء: وهو انه ان قلنا بصحة الابرار الرابع وهو انه لا يجوز التمسك بقولهم ان ابن ابي عمير لا يروى الا عن ثقة الاثبات وثقة الواسطة في مراسيله من جهة انه من التمسك بالعموم في الشهة المصدقية للمخصص من جهة العلم بتخصيص هذه القاعدة و اغمضنا النظر عن توقفه على المقدمتين لا يمكن المساعدة عليها فهل لا طريق الى احراز عدم كون الواسطة داخله في عنوان المخصص ام لا و اثبات هذا الطريق يتوقف على اثبات امرين:

الأم الاول: اثبات حجة الاطمئنان الشخص ...

الأمر الثاني: انه يمكن تحصيل الاطمئنان الشخصي في كل واحد من مراسيل ابن ابي عمير بان الوساطة ليس هو الشخص المطعون فيه و ذلك بملاحظة امرين. الأول: ان نسبة الضعيف الى مشايخه الذين ربما يبلغون الى مائة و ثلاثين او ازيد تفرض ان نسبته الواحد الى مأه. الثاني: ان نسبة رواية عن كل واحد من مشايخه التقاة بالنسبة الى الضعيف يكون معدل نسبة الواحد الى العشرة، و ذلك لكثرة رواياته عن التقاة

و على اساس هذين الأمرين يقال انه اذا ضرب عشرة في المأة يصير حاصل الضرب الف فيكون احتمال عدم وثاقه الواسطة في مرسل من مراسيله مع احتمال وثاقته نسبة الواحد الى الف احتمال و من المعلوم انه احتمال موهوم لايعبأ به .
فهذا الطريق يحصل الاطمينان الشخصي بعدم وساطة الضعيف . فتدبر جدا .

فانقذح مما ذكرناه ان الافوى حجية مراسيل ابن ابى عمير كما هو المشهور بين القدماء و المتأخرين .
وقد وصل الكلام الى مبنائى فى الليلة السادسة العشر فى رمضان المبارك سنة ١٣٨٢ فى النجف الاشرف ... و أنا
الأحقق كاتب هذه السطور و مؤلف هذه الرسالة علم الحسين السستاني .» (بوست ٢)

همچنین استاد سید محمد جواد شبیری زنجانی در طی یادداشت‌هایی به قلم غلامرضا احسنی آرانی اشکالاتی را متوجه روش حساب احتمالات شهید صدر کرده‌اند که در انتهای این مقاله به آن‌ها پرداخته شده است. بنابراین، نویسندگان اثری با این رویکرد که تمامی اشکالات متوجه به این روش را پردازش کرده و آن‌ها را پاسخ داده باشد؛ نیافتند.

۱-۵. ضرورت و اهمیت مسئله

خاستگاه کاربرد روش «حساب احتمالات» از سوی شهید صدر به چالشی فراگیر و اساسی در حجیت مراسیل ابن ابی عمیر برمی‌گردد. مهم‌ترین اشکال وارد بر حجیت این مراسیل و نیز بی‌اعتباری تمسک به شهادت شیخ طوسی - که همچون یک دلیل عام^۱ مطرح شده - مسئله اصولی «تمسک به عام در شبهه مصداقیه» است.^۲

ریشه اصلی این اشکال را باید در سخن محقق حلی جست‌وجو کرد؛ گویا او نخستین کسی است که به روشنی این اشکال را مطرح ساخته است. وی می‌نویسد: «در سلسله‌راویان ابن ابی عمیر، افرادی وجود دارند که اصحاب امامیه بر ایشان طعن زده و آنان را تضعیف کرده‌اند؛ از این رو هنگامی که با روایت مرسلی از ابن ابی عمیر مواجه می‌شویم، احتمال دارد که راوی مجهول، همان فرد تضعیف شده باشد» (محقق حلی، ۱۴۰۷ق، ۱/۱۶۵).

در میان معاصران، آیت‌الله خویی نیز به این اشکال تصریح کرده و آن را به‌عنوان

روشن‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۳۴

۱. «لایروون و لایرسلون إلا عن ثقة».

۲. در مقام تمسک به عام بعد از ورود تخصیص، گاهی عواملی باعث ایجاد شبهه می‌گردد، مانند اینکه شک می‌شود آیا فرد یا افرادی ذیل عنوان عام قرار دارد تا عام در آن حجت باشد یا ذیل عنوان خاص قرار دارد تا از تحت عام خارج باشد. از عوامل ایجاد شبهه، شک در مصداق خارجی می‌باشد و آن در جایی است که شک در شمول عام بر فرد یا صنف مشکوک، از اشتباه در امور خارجی ناشی باشد. مانند جمله «اکرم کل هاشمی» و «لا تکرم الفاسق منهم» که شک می‌شود آیا «زید هاشمی فاسق است یا نه، با فرض اینکه مفهوم فاسق، روشن است. به تمسک به عام در این گونه موارد «تمسک به عام در شبهه مصداقی» گفته می‌شود. جهت مطالعه بیشتر نسبت به دلیل اصولی عدم اعتبار تمسک به عام در شبهه مصداقیه. ر.ک: (صدر، ۱۴۴۰ق، ۲/۵۶۰ و ۵۶۱).

سومین دلیل برای بطلان قاعده حجیت مراسیل مشایخ ثقات - از جمله ابن ابی عمیر - بیان نموده است (خویی، ۱۴۳۰ق ب، ۱/۱۶۹).

شرح این اشکال بدین گونه است: ما به طور قطعی می دانیم که ابن ابی عمیر، گاه حتی به دلیل اشتباه یا خطا در تشخیص، از افراد غیر ثقه نیز روایت کرده است. لذا احتمال می دهیم که در برخی از مراسیل او - که معمولاً با عبارت «عن بعض أصحابنا» نقل شده - همان راویان غیر موثق مراد باشند؛ راویانی که در جایی دیگر در روایات مسند نیز از آن ها نقل کرده است. در چنین صورتی، با پدید آمدن شبهه در مصداق، دیگر مجالی برای اعتماد به این مراسیل باقی نمی ماند (خویی، ۱۴۳۰ق الف، ۲/۵۲).

به عبارت دیگر، اگر حتی در یک مورد، نقل روایت ابن ابی عمیر از راوی ضعیف برای ما احراز شود، دیگر نمی توان با اطمینان گفت که در سایر مراسیل، مراد او شخصی موثق بوده است؛ زیرا دلیلی برای دفع این احتمال در دست نیست. در نتیجه، روایت در معرض «شبهه مصداقیه» قرار می گیرد و نمی توان به عام - یعنی شهادت شیخ طوسی مبنی بر اینکه آنان فقط از ثقات نقل می کنند - تمسک جست؛ چرا که این تمسک در فضای شک در مصداق عام است و از منظر اصولی، فاقد حجیت خواهد بود.

دقیقاً همین اشکال را محقق حلی در المعبر در مورد مراسیل ابن ابی عمیر مطرح کرده است (محقق حلی، بی تاب؛ خویی، ۱۴۳۰ق، ۶/۳۵۱).

در توضیح نهایی این اشکال باید گفت که سخن شیخ طوسی - «لایروون و لایرسلون إلا عمن یوثق به» - در حکم یک «عام» تلقی می شود. اما با توجه به اینکه برخی از مشایخ این سه بزرگوار (ابن ابی عمیر، صفوان، بزنی) ضعیف هستند، چنانچه بخواهیم برای اثبات وثاقت واسطه ای مجهول در روایت به این عام استناد کنیم، درواقع به عام در شبهه مصداقیه تمسک کرده ایم؛ و این تمسک، از منظر اصولی معتبر و حجت نخواهد بود.

باتوجه به انبوه مراسلات ابن ابی عمیر در تراث شیعه، دیدگاه شهید صدر براساس

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت های آن

۱۳۵

روش حساب احتمالات، راه حلی نوین برای برون رفت از این چالش به شمار می رود.^۱

۱-۶. هویت شناسی ابن ابی عمیر

منظور از «طبقه»، گروهی از راویان است که علاوه بر هم سالی، در یک دوره زمانی زیسته و از مشایخ مشترک بهره مند شده اند (مامقانی، ۱۴۳۱ق، ۲/۱۸۱). به عبارتی دقیق تر شناخت تقریبی عصر فعالیت های حدیثی راوی در دو دوره تحمل (زمان علم آموزی و اخذ حدیث) و اداء (آموزش اندوخته ها به نسل های پسین) را «طبقه» تعریف کرده اند (لطفی پور و حسینی شیرازی، ۱۴۰۳ق، ۳). محمد بن ابی عمیر، یکی از راویانی است که نام او در کتاب های رجالی و حدیثی با عناوین و اوصاف متفاوتی ذکر شده است. از این رو، یکی از مباحث رجالی مورد اختلاف میان رجالیان، اتحاد و تعدد محمد بن ابی عمیر است.

بحث و تحلیل در مورد تعیین طبقه ابن ابی عمیر از اهمیت به سزایی در علم رجال به ویژه تطبیق روش حساب احتمالات بر مرسلات او دارد.

چنانچه پذیرفته شود در کتاب رجال شیخ طوسی، نام «محمد بن ابی عمیر» که در میان اصحاب امام صادق علیه السلام ذکر شده، دچار تحریف گردیده و صورت صحیح آن «محمد بن ابی عمر» یا «محمد بن ابی عمره» است، یا اینکه این عنوان به شخص دیگری اشاره دارد، پژوهشگر با راوی مواجه خواهد بود که توثیق نشده و وضعیت جرح و تعدیل او نامشخص است و مرسلات او دیگر حجت نیست؛ اما در صورتی که هر دو عنوان «ابن ابی عمیر» و «ابن ابی عمر» اشاره به یک شخص تلقی گردد؛ این فرض پذیرفته می شود که عنوان دوم

روش شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۳۶

۱. مرسل در میراث حدیثی اقسامی دارد که شناخت آنها برای تحلیل مراسیل ابن ابی عمیر ضرورت دارد. مهم ترین انواع ارسال عبارت است از: (أ) ارسال جلی و خفی (تدلیس): حذف بعضی از راویان یا سند به طور کامل را ارسال جلی گویند و در صورتی که این حذف پنهان باشد؛ ارسال خفی نام دارد. (ب) حذف کامل سند یا تعلیق که در آن آغاز سند ساقط شده است. (ج) انقطاع و اعضال: حذف چند راوی در میانه سند. (د) اجمال در ذکر راوی یا امام با تعبیری چون «بعض أصحابنا» یا «الرجل»؛ (ه) ارسال مرفوع: سند روایت حذف شود و با تعبیری مانند «رفعه» به حذف سند اشاره شود. (و) معلق: حذف راوی از ابتدای سند (ربانی بیرجندی، ۱۳۸۹، ۳۵-۵۹؛ مامقانی، ۱۴۲۸، ۱/۲۵۳-۲۷۳-۲۸۵). مراد از ارسال در این مقاله ارسال از نوع جلی، خفی و اجمال از امام علیه السلام است.

صورت تحریف شده عنوان اول است، در این حالت هر دو نام، به یک راوی
ثقه اشاره خواهند داشت. زیرا بر مبنای این فرض، تمامی این عناوین به محمد
بن ابی عمیر معروف باز می‌گردد.

نتایج عملی پذیرش تعدد یا وحدت ابن ابی عمیر در بررسی روایات بسیار
قابل توجه است. به این صورت که اگر قول به تعدد پذیرفته شود و این راوی
از امام صادق علیه السلام روایت کند، محقق با راوی مواجه خواهد شد که توثیقی
برای او ثبت نشده است. همچنین اگر شرایط نقل روایت به گونه‌ای باشد که
احتمال ارسال خفی در آن وجود داشته باشد، روایت مرسل محسوب خواهد
شد. در صورتی که وی از امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام یا معاصران آن دو بزرگوار
نقل روایت کند، قطعاً همان محمد بن زیاد بن عیسی خواهد بود. اما اگر روایت
از امام کاظم علیه السلام باشد، تشخیص هویت راوی به شرایط راوی بعدی بستگی
خواهد داشت. اگر راوی از ابن ابی عمیر، دوره امام کاظم علیه السلام را درک نکرده
باشد (مانند حسن بن محمد بن سماعة)، راوی محمد بن زیاد خواهد بود. اما
اگر راوی از کسانی باشد که دوره امام کاظم علیه السلام را درک کرده باشد، بی تردید
منظور همان ابن ابی عمیر معروف و مورد اعتماد خواهد بود. گرچه در برخی
موارد احتمال انطباق بر هر دو شخصیت وجود دارد؛ اما این اشتراک تأثیری در
اعتبارسنجی روایت نخواهد داشت.

گروهی از رجالیان از جمله محقق اردبیلی (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۵۰/۲) و مامقانی (مامقانی،
۱۴۳۱ق، ۶۳/۲) با اشاره به اشتباه نسخه‌نویسان در ضبط کلمه (محمد بن ابی عمر) قائل
به وحدت ابن ابی عمیر هستند. در مقابل نظریه نخست، برخی محققان و رجالیان
همچون آیت الله خویی (خویی، ۱۴۰۹ق، ۲۸۸/۱۵) و محقق شوشتری (شوشتری، ۱۴۱۰ق،
۳۵/۹) و برخی دیگر، به تعدد ابن ابی عمیر اعتقاد دارند.

از مهم‌ترین ادله قائلان به تعدد ابن ابی عمیر می‌توان به روایت وصایت
ابن ابی عمیر (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۱/۱۲۶/۷)، روایات او از راویان قبل از سال ۱۴۸
قمری و روایاتش از امام صادق علیه السلام اشاره کرد (برای تفصیل و اطلاع بیشتر ر.ک:
بخشی، ۱۳۹۱، ۳۹-۴۹).

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت‌های آن
۱۳۷

۲. کاربرد روش حساب احتمالات در حجّیت مراسیل ابن ابی عمیر

شهید صدر باتوجه به ارزش احتمال و واسطه‌های مجهول به تطبیق روش حساب احتمالات در مراسلات پرداخته است. وی بر آن است که درباره توثیق راوی یا راویان واسطه در مراسیل ابن ابی عمیر دو وجه زیر وجود دارد: نخست هنگامی که از سند روایت، تعدد واسطه فهمیده نشود؛ مانند «(یروی عن رجل)» یا «(عن بعض)». دیگر آنجا که از سند روایت، تعدد واسطه فهمیده شود؛ مانند «(عن غیر واحد)» یا «(عن رهط)» یا «(جماعه من اصحابه)».

اگر راوی مجهول در واسطه، بین تمام مشایخ ابن ابی عمیر مردد باشد؛ مجموعه کسانی که ابن ابی عمیر از آن‌ها روایت کرده است، نزدیک به ۴۰۰ نفر می‌باشند. از سوی دیگر افرادی که ضعف آن‌ها به موجب شهادت معتبر دیگری ثابت شده است، از ۵ نفر بیشتر نیست؛ در این صورت ارزش احتمال اینکه واسطه از راویان ضعیف باشد، $\frac{5}{400}$ است که به صورت $\frac{1}{80}$ ساده می‌شود و درصد آن ۱,۲۵٪ می‌باشد. اگر فرض شود در میان ۴۰۰ نفر، تعداد راوی ضعیف ۱۰ نفر است، احتمال اینکه واسطه یکی از راویان ضعیف باشد، نتیجه آن ۰,۰۰۱۲٪ محاسبه می‌گردد. این احتمال، مورد اعتنا واقع نمی‌شود و می‌توان به ضعیف نبودن راوی مجهول اطمینان پیدا کرد.^۱

روش‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۳۸

به بیانی دیگر می‌توان گفت، در برخی موارد، ابن ابی عمیر از فردی روایت می‌کند که نام او در سند نیامده؛ اما مشخص است که از مشایخ او به‌شمار می‌رود. پرسش اصلی در این موارد آن است که آیا می‌توان به صرف مجهول بودن نام واسطه، در وثاقت روایت تشکیک کرد یا خیر؟ پاسخ به این مسئله، مستلزم تحلیل ترکیبی از داده‌های رجالی و روشی مبتنی بر غلبه وثاقت باتوجه به حساب احتمالات است. براساس تتبع رجالی، ابن ابی عمیر از حدود ۴۰۰ راوی حدیث، اخذ روایت کرده است. در میان این تعداد، تنها شمار اندکی از راویان -حداکثر ۵ تا ۱۰ نفر- براساس

$$1.p(s) \left(\frac{10}{390} \right) = \frac{120}{390 \times 389 \times 388} \approx 1,2 \times 10^{-5} \approx 0,000012\%$$

شواهد معتبر رجالی به صراحت تضعیف شده‌اند. بنابراین، نسبت راویان ضعیف در میان مشایخ ابن ابی عمیر، در صدی بسیار ناچیز را تشکیل می‌دهد. در نتیجه، در مواردی که واسطه روایت به صورت مشخص معرفی نشده ولی دانسته شود که وی از مشایخ مستقیم ابن ابی عمیر است، احتمال اینکه آن فرد از جمله راویان ضعیف باشد، احتمال ضعیفی است که از نظر روش شناسی حساب احتمالات، فاقد اعتبار لازم برای حکم به ضعف روایت است (ایروانی، ۱۴۳۵ق، ۲/۴۹۳-۴۹۷).

در به کارگیری این روش چنین فرض گرفته شده است که ارزش احتمال واسطه مجهول نسبت به ۴۰۰ نفر یکسان باشد؛ اما اگر احتمالات، مساوی نبود و قرینه‌ای احتمالی در این بین باشد و نشان دهد ارزش احتمالی واسطه که از آن ۵ راوی ضعیف باشد بیشتر است، حساب گذشته به هم خواهد ریخت.

اگر ادعا شود قرینه احتمالی در اینجا وجود دارد. احتمال افزایشگر، همان نفس روایت ابن ابی عمیر با تعابیری چون «عن رجل» یا «عن بعض اصحابه» است. چرا که این تعبیرها بیانگر عدم اعتنا و اطمینان به راوی مذکور است. در نتیجه احتمال اینکه واسطه مجهول از ۵ راوی ضعیف باشد تقویت می‌گردد.

اما باید گفت در برابر همین احتمال، احتمال مخالف قوی‌تری وجود دارد. بدین ترتیب که وقوع ارسال خفی در روایات محمد ابن ابی عمیر به سبب ۴ سال زندانی شدن و از بین رفتن کتاب‌هایش بوده است؛ بنابر گزارش نجاشی، خواهر او در هنگام حبس، کتاب‌هایش را دفن کرده و یا در اتاقی گذاشته بود و این کتاب‌ها از بین رفت. باتوجه به از بین رفتن کتب ابن ابی عمیر، او باتکیه بر حافظه‌اش یا از دست‌نوشته‌هایی که در نزد دیگران باقی گذاشته بود، روایت نقل می‌کرد. به همین سبب علمای امامیه مراسیل او را قبول می‌کنند (نجاشی، ۱۴۴۲ق، ۲۶).

نسبت به جهت دوم -مراسیلی که ابن ابی عمیر با تعبیرهایی چون عن «غیر واحد»، «عن رهط» و «عن جماعه» بیان نموده است - می‌توان گفت این گونه مراسیل براساس روشی که گذشت از اعتبار برخوردار است. البته نه به دلیل تعبیر غیر واحد که گفته شود از استفاضه و شهرت روایت کشف می‌کند؛ چرا که چنین تعبیرهایی بیشتر از سه راوی را در بر نمی‌گیرد و این برای استفاضه کافی نیست.

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت‌های آن
۱۳۹

اعتبار این روایات بدین سبب است که روش حساب احتمالات بدون نکته پیشین، در این گونه مراسیل جریان دارد. چراکه تعبیر «غیر واحد» و مانند آن، با اهتمام و اعتنا سازگار است، برخلاف «عن رجل» که با عدم اهتمام تناسب داشت. گفتنی است سید کاظم حائری از شاگردان شهید صدر (حائری، ۱۴۱۵.ق، ۳۸)، سید محمود هاشمی شاهرودی (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۵.ق، ۲۱۲/۱) و شیخ باقر ایروانی (ایروانی، ۱۴۳۱.ق، ۱۸۶؛ ایروانی، ۱۴۳۵.ق، ۴۹۱-۴۹۷) نظریه استاد خود را پذیرفته و آن را به عنوان مبنا در کتاب‌های خویش استوار ساخته‌اند.

۳. چالش‌های کاربردی روش حساب احتمالات

باتوجه به دیدگاه شهید صدر در کاربردی روش حساب احتمالات در مراسیل ابن ابی عمیر در میان اندیشمندان با چالش‌هایی روبرو شده است که برخی از این چالش‌ها در دروس خویش و برخی در کتب و مقالات منتشر شده است که به ترتیب آن‌ها را بررسی می‌کنیم.

۳-۱. ناکارایی کاربرد روش حساب احتمالات در موضوعات دینی

آیت الله سبحانی نسبت به کاربرد روش حساب احتمالات در مرسلات ابن ابی عمیر توسط شهید صدر، اشکال اساسی را مطرح کرده است. این اشکال متوجه به اصل کاربردی روش حساب احتمالات در موضوعات دینی است که از مصادیق آن، مرسلات ابن ابی عمیر محسوب می‌شود. این اشکال بدین ترتیب است که عقلاً در کارهای مهم بیشتر از این مقدار احتیاط می‌کنند و به خبری که احتمال کذب آن $\frac{1}{8}$ باشد عمل نمی‌کنند. به عنوان مثال اگر عقلاً بدانند که بمبی به یکی از ۸۰ ساختمان اصابت خواهد کرد، یا سیل یکی از ۸۰ ماشین موجود را نابود می‌کند به هیچ کدام از خانه‌ها ورود نمی‌کنند و بر هیچ کدام از ماشین‌ها سوار نمی‌شوند. البته عقلاً نسبت به امور کم‌اهمیت که اهمیتی به آسیب‌رسانی آن ندارند، به خبری که احتمال صدق آن حتی کمتر از $\frac{1}{8}$ باشد عمل می‌کنند. اگر چه روشن است شریعت الهی از امور مهم به‌شمار می‌رود و بی‌توجهی و سهل‌انگاری در آن روا نیست (سبحانی، ۱۴۲۳.ق، ۲۶۹).

روش‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۴۰

پاسخ

عقلا همواره در تصمیم‌گیری‌ها براساس نسبت‌سنجی احتمالات در رسیدن به اطمینان عمل می‌کنند. توضیح بیشتر آنکه اگر ارزش احتمال و محتمل هر دو قوی و دارای اهمیت بود، خاصیت بشری و تکوینی انسان - که ارتکاز عقلایی نیز بر همین اساس است - این حالت را جانشین علم قرار می‌دهد. اگر احتمال نیز قوی بود اما ارزش محتمل پایین باشد؛ احتمال قوی، ارزش کم محتمل را جبران می‌کند و شخص برانگیخته می‌شود و همچون علم با آن رفتار می‌کند. همچنین اگر ارزش محتمل، بالا و دارای اهمیت بود اما ارزش احتمال ضعیف باشد، شخص به انجام آن مانند علم وادار می‌شود. امر شارع به احتیاط در برخی موارد مانند دماء به اعلام اهمیت محتمل برمی‌گردد. در نتیجه با نبود قوت محتمل و اهمیت آن - ولو به وسیله ایجاب خطاب ثانوی - و ضعف ارزش احتمال، هیچ دلیلی برای انجام یا ترک در چنین حالتی به نحو الزام وجود ندارد (سیستانی، ۱۴۲۷ق، ۳۵۶؛ الهی خراسانی، ۱۳۹۵، ۱۸۷).

حال اطمینانی که در شخص حاصل می‌شود براین اساس است که وی کمتر از ۲٪ احتمال می‌دهد که ناقل خبری دروغ می‌گوید.

اگر فقیهی همواره از افراد راستگو خبر دهد و در یکی از نقل‌های او شک شود که آیا از فردی راستگو خبر داده یا از شخصی ناپای‌بند؛ در این حالت بیش از ۸۰٪ احتمال داده می‌شود او مانند همیشه از راستگویان خبر نقل می‌کند. آیا در چنین موردی عقلا این خبر را به کناری می‌نهند و بر راستی آن اطمینان بنا نمی‌گذارند؟! این نکته را نیز باید مورد توجه قرار داد که عقلا بین عوامل ایجاد اطمینان تفاوتی قائل نمی‌شوند و اطمینان اگر دارای منشأ عقلایی باشد نزد عقلا حجت و معتبر است هرچند این اطمینان براساس حساب احتمالات باشد (سیستانی، ۱۴۳۷، ۲/۲۳).

۳-۲. ناسازگاری یک مورد با اعتبار شهادت و خروج از نسبت‌سنجی

آیت‌الله داورى اشکال اساسی را متوجه به اصل کار بست حساب احتمال قرار داده است. با این توضیح که شرط اساسی در شهادت، فراگیری کامل است. حتی یک مورد ناسازگاری کافی است تا کل شهادت از اعتبار ساقط شود. در چنین شرایطی،

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت‌های آن
۱۴۱

نیازی به نسبت سنجی موارد موافق و مخالف نیست؛ زیرا بحث بر سر اطمینان بخشی نیست؛ بلکه بر سر اعتبار یا عدم اعتبار شهادت است و از اعتبارافتادن یک مورد، کافی است که شهادت از حجیت و اعتبار ساقط گردد (داوری، ۱۴۳۸ق، ۴۰۷).

پاسخ

اگر شهادت شیخ بر این اساس باشد که شخصاً استقرا کرده که این ۳ تن تنها از ثقات روایت نقل می کنند، با اثبات ضعف یکی از مشایخ ابن ابی عمیر، اعتبار شهادت وی مخدوش می شود. اما ظاهر کلام شیخ نشان می دهد که او دیدگاه مشهور بین علما را بازگو کرده و تساوی مراسیل و مسانید را به طائفه نسبت داده است. شیخ صرفاً اتفاق نظر اصحاب امامیه را نقل می کند که این ۳ راوی متعهد به روایت از ثقات بوده اند. با تضعیف یکی از مشایخ ابن ابی عمیر، تردید ایجاد می شود که آیا واسطه مجهول از افراد تضعیف شده اند یا از دیگر ثقات است؟ این امر، مستلزم ارزیابی مجدد بر پایه نسبت سنجی و محاسبات احتمالاتی است.

۳-۳. نسبت سنجی در تعداد روایات نه راویان

نسبت سنجی باید بین موارد باشد، نه اینکه اشخاص مورد سنجش قرار گیرد. بدین توضیح که ابتدا باید مقدار روایت آن دسته از مشایخ ابن ابی عمیر که در حق آنان تضعیفی وارد نشده، شمارش شود. در مرحله بعد، روایت ایشان از کسانی که تضعیف شده اند مشخص گردد و سپس این مقدار روایت از ثقات و ضعفا با یکدیگر مقایسه شود. در نتیجه نباید نسبت بین مشایخ سنجیده شود؛ زیرا گاهی نسبت برعکس خواهد شد. به طور مثال اگر ابن ابی عمیر از شخص ضعیفی بسیار روایت کند و از شخصی که تضعیف نشده است کم روایت نماید، در این صورت برخلاف مقایسه تعداد مشایخ ثقه و ضعیف، نسبت کاملاً متفاوت خواهد بود. بنابراین ملاک در نسبت سنجی، روایات ابن ابی عمیر است، نه کسانی که از ایشان روایت می کند.

پاسخ:

شهید صدر اشکال فوق را پس از بیان دیدگاه خویش و تطبیق آن با مرسله طولانی یونس بن عبدالرحمن پاسخ گفته است. حق آن است اگر تعداد روایات هر کدام از

مشایخ کاملاً مشخص بود، باید نسبت بین روایات (نه روایان) محاسبه می‌شد؛ اما از آنجایی که یقین به تعداد روایات ابن ابی عمیر از مشایخ خود وجود ندارد، ارزش احتمالی هر کدام از مشایخ نسبت به یکدیگر مساوی انگاشته می‌شود.

شهید صدر در شرط سوم از اجرای فرآیند حساب احتمالات در مراسیل چنین می‌گوید: «(شرط سوم، آن است که احتمالات در ۴۰۰ نفر به صورت مساوی باشد. به سخن دیگر آنچه که به صورت منطقی بیان کند که احتمال روایت از یکی در میان ۴۰۰ تن، بیشتر از احتمال روایت از دیگری است، در میان نباشد؛ زیرا اگر چنین چیزی را شرط ندانیم، نتیجه متفاوت خواهد شد و بلکه در احتمال وثاقت واسطه در مرسله نیز تأثیرگذار است.

به عبارتی اگر در نسبت سنجی‌ها ارزش‌های احتمالی را همواره مساوی ندانستیم، احتمال روایت از مشایخی که ابن ابی عمیر از آن‌ها بسیار روایت می‌کند، بیشتر است از احتمال اینکه وی از برخی مشایخ خود کم روایت می‌کند، در نتیجه این مورد، عامل کاهش‌زایی خواهد بود برای احتمال اینکه واسطه یکی از ضعیفان شش‌گانه باشد، زیرا روشن است اگر نسبت روایت از آن ۶ نفر به مجموع روایات ابن ابی عمیر کمتر از نسبت خود ۶ نفر به تمامی مشایخ ابن ابی عمیر باشد، عامل کاهش‌زای جدیدی پدید خواهد آمد برای احتمال اینکه واسطه یکی از آن ۶ نفر در نظر گرفته شود» (عرفانیان‌یزدی، ۱۴۱۹ق، ۵۳).

۳-۴. وجوب مطابقت با علم اجمالی

اگر حجّیت چنین اطمینانی پذیرفته شود، این حجّیت تنها در صورتی معتبر است که عمل به برخی اطراف علم اجمالی موجب زوال اطمینان به مطابقت با علم اجمالی نگردد. زیرا صرف اطمینان به عدم مخالفت با علم اجمالی کفایت نمی‌کند؛ بلکه آنچه در مقام حجّیت ملاک است، اطمینان به تحقق مطابقت با علم اجمالی است. براین اساس، اگر در مورد مراسیل ابن ابی عمیر، به تعدادی از آن‌ها عمل شود به گونه‌ای که اطمینان حاصل گردد در سلسله‌سند آن‌ها راوی ضعیف وجود ندارد، عمل به آن‌ها بی‌اشکال خواهد بود. اما چنانچه بر مبنای محاسبه احتمالات، به تعداد زیادی

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجّیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت‌های آن
۱۴۳

از مراسیل استناد شود، بدون آنکه این اطمینان نسبت به مجموعه آن‌ها حاصل گردد، چنین استنادی فاقد حجّیت است؛ زیرا در این صورت احتمال وجود راوی ضعیف در برخی از آن‌ها باقی است و اطمینان مورد نظر تحقق نمی‌یابد (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ۲۶۹).

پاسخ

در بحث علم اجمالی، اطمینان به عدم انطباق معلوم بالاجمال نسبت به هر یک از اطراف علم اجمالی کفایت می‌کند و با عدم اطمینان به مطابقت با واقع در تمام اطراف علم اجمالی اشکالی پیش نمی‌آید. تنها حالتی که اشکال دارد، آن است که فرد با اطمینان، کاری انجام دهد که احتمال مخالفت با حکم واقعی در آن قوی باشد. به عبارت دیگر، اگر اطمینان به مخالفت با علم اجمالی وجود داشته باشد، عمل به آن نادرست است؛ اما تحصیل اطمینان به مطابقت با واقع لازم نیست. برای مثال، اگر یقین داریم یکی از صد ظرف آب نجس است، نوشیدن ۹۹ ظرف جایز نیست، چون احتمال قوی می‌دهیم که یکی از آن‌ها نجس باشد. در مسئله مورد بحث نیز، نبود اطمینان نسبت به وجود راوی ضعیف در تمام اسناد احادیث، به تنهایی برای نفی اعتبار آن‌ها کافی نیست. بلکه براساس همین روش حساب احتمالات، احتمال ضعیف بودن راوی آن قدر کم است که مورد اعتنا قرار نمی‌گیرد. لذا براساس این روش آنچه که مهم است اطمینان به ضعیف نبودن راوی مجهول است. البته پرواضح است اگر نسبت به وجود راوی ضعیف در برخی از این اسناد اطمینان حاصل شود، اعتبار آن احادیث محل اشکال خواهد بود؛ باین حال، در این مورد خاص، چنین اطمینانی بدست نمی‌آید (سیستانی، ۱۴۳۷ق، ۲/۲۴).

روش‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۴۴

۳-۵. عدم فراگیری روش حساب احتمالات

به کارگیری روش حساب احتمالات جهت دستیابی اطمینان، زمانی کارایی دارد که خصوصیتی در کسی که واسطه محذوف یا مبهم از او روایت می‌کند وجود نداشته باشد و در صورت ملاحظه چنین خصوصیتی اطمینان در بسیاری از موارد حاصل نخواهد شد.

به عنوان مثال ابن ابی عمیر در «کافی» ۱۰ طریق از اسحاق بن عمار دارد و با

واسطه از آن‌ها نقل روایت می‌کند. واسطه در یکی حسین بن احمد منقری است که تضعیف شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/۴۴) و در باقی روایات، افرادی دیگر مانند حفص بن بختری (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/۴۲۴)، محمد بن ابی حمزه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/۲۸۱)، ۵۴۴: ۱۷۹/۶: ۴۳/۷، حسین بن عثمان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/۵۴۴: ۲۸۱/۵: ۲۳۸/۵: ۱۷۹/۶: ۴۳/۷)، منصور بن یونس (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۴/۳۰: ۳۳)، اسماعیل بن عمار (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۳۵۶)، عقبه بن محرز (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/۱۰۹) و علی بن اسماعیل (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲/۲۱۰) وجود دارند. همچنین ابن ابی عمیر ۳ روایت مرسل از اسحاق بن عمار دارد.

بنابراین ۲ حالت نسبت‌سنجی در اینجا وجود دارد:

حالت اول: محاسبه احتمال در مجموعه ۱۰ روایت با واسطه اگر فقط ۱۰ روایت با واسطه مدنظر باشد و فقط در یکی از آن‌ها منقری باشد، آنگاه: احتمال روایت خاصی از این ۱۰ روایت، منقری واسطه‌اش باشد $= 10/1 = 1/10$

حالت دوم: محاسبه احتمال در مجموعه کل (۱۳ روایت = ۱۰ با واسطه + ۳ مرسل)؛ اگر مرسل‌ها را نیز وارد محاسبه کنیم و فرض کنیم فقط یکی از ۱۳ روایت از منقری است: احتمال روایت خاصی واسطه‌اش منقری باشد $= \frac{1}{13} \approx 7/7\%$ بدین ترتیب در هر دو حالت با وجود چنین احتمالی، اطمینان به خلاف آن یعنی اطمینان به نبودِ راوی ضعیف حاصل نمی‌شود. مثال دیگر آنکه ابن ابی عمیر در «کافی» تقریباً ۳۰ روایت از ابوبصیر با تعیین واسطه‌ای نقل می‌کند و یکی از روایان در این واسطه عبدالرحمن بن سالم اُشل است که تضعیف شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/۴۹۸). در نتیجه احتمال اینکه واسطه در نقل ابن ابی عمیر از ابوبصیر غیر این راوی ضعیف باشد، به اندازه‌ای نیست که اطمینان حاصل شود.

ابن ابی عمیر روایات بسیاری از زراره با واسطه نقل می‌کند که تعداد آن‌ها بیش از ۱۴۰ روایت است (برای نمونه ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳/۳۰۹). برخی از آن‌ها به گونه مرسل است و تنها در یک روایت، واسطه حسین بن احمد منقری است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۵/۳۱۸). بنابراین، احتمال واسطه‌بودن منقری در برخی از مراسیل، بسیار ضعیف خواهد بود که اعتنایی به آن‌ها نمی‌شود.

بدین ترتیب به کارگیری حساب احتمالات در موارد کمی اتفاق خواهد افتاد و

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت‌های آن
۱۴۵

در صورت ملاحظه و بررسی کسی که واسطهٔ محذوف از او روایت نقل می‌کند، این روش بی‌ثمر خواهد بود. در نتیجه باید گفت نمی‌توان حساب احتمالات در اطمینان به عدم راوی ضعیف در مراسیل ابن ابی عمیر را بسان قاعده‌ای تعمیم یافته و شمول‌پذیر دانست بلکه باید در مراسیل به بررسی موردی پرداخت.

۳-۱۶. احتمال «۱» بر «۴۰۰» بودن راوی ضعیف بر اساس تعبیر «بعض اصحابنا»

آیت‌الله شبیری زنجانی روش به کارگیری حساب احتمالات توسط شهید صدر را واکاوی کرده است. وی بر این باور است که باتوجه به نحوه نسبت‌سنجی و محاسبه شهید صدر دربارهٔ حساب احتمالات نسبت به مشایخ ابن ابی عمیر سخن از یک چهارصدم است نه یک هشتادم! از پنج موردی که شهید صدر به عنوان ثابت الضعف بیان کرده است؛ چهار مورد از آن‌ها ضعفشان مشخص نیست. از این پنج نفر یکی علی بن حدید است که ابن ابی عمیر از او روایت نمی‌کند و درواقع علی بن حدید بر ابن ابی عمیر عطف شده است و با هم از راوی بعدی (جمیل بن دراج) روایت می‌کنند (برای اطلاع بیشتر ر.ک: شبیری زنجانی، بی‌جا، تعلیقات آیت‌الله شبیری بر اصحاب اجماع، ۳۵/۱؛ شبیری زنجانی، ۱۴۲۹ق، ۲/۹۵). دیگری یونس بن ظبیان است که بین یونس و ابن ابی عمیر واسطه‌ای بوده که این واسطه افتاده است. در روایتی، یونس عطف به فرد ثقه دیگری شده و به تعبیر وی همین مقدار برای اینکه گفته شود ابن ابی عمیر از ثقه روایت کرده است، کفایت می‌کند (شیخ طوسی، ۱۴۰۷ق، ۵/۳۲). همچنین به نظر وی یونس بن ظبیان ثقه می‌باشد. نفر سوم عَمْرُو بْنُ جُمَیْع است که ابن ابی عمیر در سه جا از او روایت دارد. ابوالبختری نفر چهارم است که ابن ابی عمیر یک روایت از او نقل می‌کند. به عقیدهٔ آیت‌الله شبیری زنجانی دو مورد اخیر نیز قابل بررسی است. زیرا وقتی ابن ابی عمیر به شکل مرسل روایتی را نقل می‌کند؛ گاه تعبیر «عن رجل» یا «عَمَّنْ اخبره» یا «عَمَّنْ حدثه» و مانند آن را به کار برده است - که در این صورت پاسخی که ذکر می‌شود، وارد نمی‌باشد - گاه او تعبیر از «بعض اصحابنا» و مانند آن می‌کند. این تعبیر، تعبیری جامع میان امامیه و فرقه‌های فطحیه (ر.ک: شیخ طوسی، ۱۴۴۱ق، ۳۵۴، رقم ۶۳۹) و واقفه (نجاشی، ۱۴۴۲ق، ۴۰-۴۱، رقم ۸۱) است و هنگامی که دربارهٔ

روشن‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۴۶

فردی به کار رود، تنها دلالت می کند که آن فرد، از عامّه، زیدیه و کیسانیه نیست (شیری زنجانی، ۱۴۰۲ق، ۱/۴۸۶-۴۸۵؛ همچنین ر.ک: مامقانی، ۱۴۲۸ق، ۱/۴۶۵-۴۶۶؛ استرآبادی، ۱۴۲۲ق، ۱/۱۳۹).

بنابراین اگر در مرسله‌ای از ابن ابی عمیر تعبیر «بعض اصحابنا» باشد، این نشانه بیان گر آن است که فرد مزبور یقیناً ابوالبختری جارودی و عمرو بن جُمیع بَثری نیست. به هر حال، در تعبیر ابن ابی عمیر به "بعض اصحابنا"، احتمال اینکه مراد وی جمیع این افراد باشد را نیز منتفی می کند. پس تنها موردی که در مرسلات ابن ابی عمیر می تواند محتمل باشد حسین بن احمد منقّری است که جزو اصحاب امامیه است و ضعیف شمرده شده است. از این رو احتمال مزبور یک به چهار درصد می باشد (برگرفته از دروس رجال آیت الله سید موسی شبیری زنجانی، ۱۳۶۲، جلسه ۴۲).

در نتیجه وضعیت راویان مجهول در مرسلات ابن ابی عمیر حالت یکسانی ندارد و روش حساب احتمالات در تعبیر «بعض اصحابنا» تنها بر احتمال یک راوی ضعیف باید مورد سنجش قرار گیرد.

۳-۷. دلالت «عدة من اصحابنا» بر کثرت

اگر یک مطلب مردد بین ۳ نفر باشد مثلاً یا عمرو آن را نقل کرده است یا زید و یا بکر، احتمال اینکه هر کدام آن را نقل کرده باشند یک سوم است. در اینجا احتمالات از نظر قوت و ضعف با هم مساوی هستند و احتمال نقل زید یا عمرو، با یکدیگر همسانی دارد.

ولی گاهی یک احتمال، قوی تر و دیگری ضعیف است. مثلاً باتوجه به قرائنی که فضای سخن به مخاطب می فهماند؛ احتمال اینکه زید آن روایت را نقل کرده باشد بیشتر است. بر این اساس گاهی یک روایت را می بینیم که افراد ضعیف هر کدام آن را نقل کرده اند؛ اینجا این طور القا می شود که افراد ضعیف با یکدیگر قرار گذاشته اند حدیثی را جعل کنند و بعد هر یک از آن ها آن را منتشر کند. زیرا بعید است فقط افراد ضعیف آن حدیث را نقل کرده باشند. بر این اساس گاهی دیده می شود که زواره، محمد بن مسلم و ابو بصیر با هم یک روایت را نقل می کنند. بنابراین اگر

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت های آن
۱۴۷

ابن ابی عمیر یک روایت را از زراره و غیر واحد من الاصحاب نقل کرده باشد این احتمال که آن غیر واحد غیر از محمد بن مسلم و ابو بصیر باشند ضعیف است. بنابراین لفظ «عدة من اصحابنا» غالباً به افرادی صدق می‌کند که با هم محشور بودند و با هم نزد امام علیه السلام رفته و از ایشان حدیثی را شنیده‌اند. لذا نباید تمامی مشایخ ابن ابی عمیر را عدل آن‌ها قرار داد؛ بلکه باید آن‌ها را در میان این گروه‌هایی که با هم بوده‌اند جستجو کرد. بنابراین گاهی عبارت «عن غیر واحد» معنایش این است که ابن ابی عمیر در مقام تقویت مطلب است و افراد کثیری که مورد اعتماد او بوده‌اند آن را نقل کرده‌اند. بنابراین تعبیر فوق از باب کثرت است، یعنی این را افراد کثیری نقل کرده‌اند و لازم نیست اسامی آن‌ها ذکر شود. این گونه مراسیل نه به سبب حساب احتمالات بلکه به جهت نکته مذکور یقیناً قابل اعتماد است (دروس رجال آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی، ۱۳۶۲، جلسه ۴۲).

پاسخ

آنچه آیت‌الله شبیری بیان کرده که نقل ابن ابی عمیر از افراد کثیر یقیناً قابل اعتماد است در واقع شهید صدر با روش حساب احتمالات دستیابی به این یقین قابل اطمینان را تبیین کرده است. بنابراین اشکال آیت‌الله شبیری هیچ گونه منافاتی با به کارگیری روش حساب احتمالات در نقل «عن غیر واحد» ندارد.

روش‌شناسی
علوم اسلامی
سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴
۱۴۸

نتیجه‌گیری

۱. به کارگیری حساب احتمالات در حجیت مراسیل ابن ابی عمیر براساس تلاش قابل ستایش شهید صدر، پاسخی علمی و قابل توجه به اشکال تمسک به عام در شبهه مصداقیه است. اشکالی که آیت‌الله خویی آن‌را مطرح کرد و از قواعد اصولی برای پرداخت رجالی بهره گرفت.

۲. باید گفت دقیقاً آنچه را که شهید صدر بیان کرده نمی‌توان به صورت کامل پذیرفت. روش حساب احتمالات، در کنار بررسی موردی و خصوصیت راوی که واسطه محذوف از او روایت می‌کند، می‌تواند در عمل به مراسیل ابن ابی عمیر راهگشا باشد. این روش ریاضی در کنار روش تاریخی می‌تواند کارایی داشته باشد.

به بیان دیگر به روش ریاضی در یک موضوع تاریخی نمی توان بسنده کرد و باید بررسی های دقیق تاریخی را حتماً مدنظر داشت.

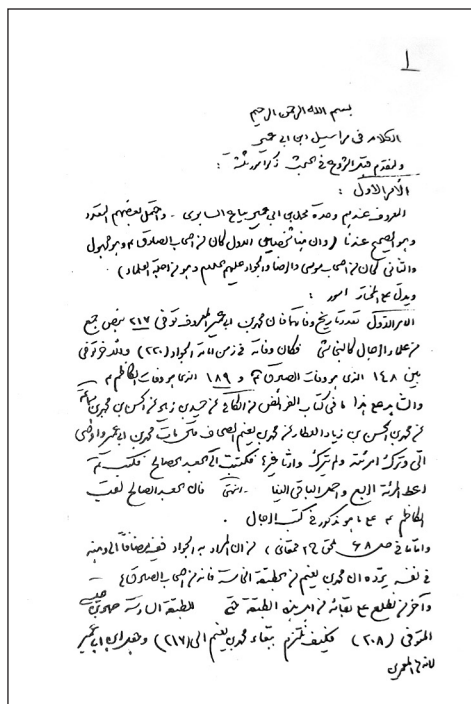
۳. همچنین باید گفت تعبیر «بعض اصحابنا» در مراسیل، فقط شامل حسین بن احمد منقری است و احتمال آنکه واسطه محذوف، همو باشد بنابر حساب احتمالات یک به چهارصد است.

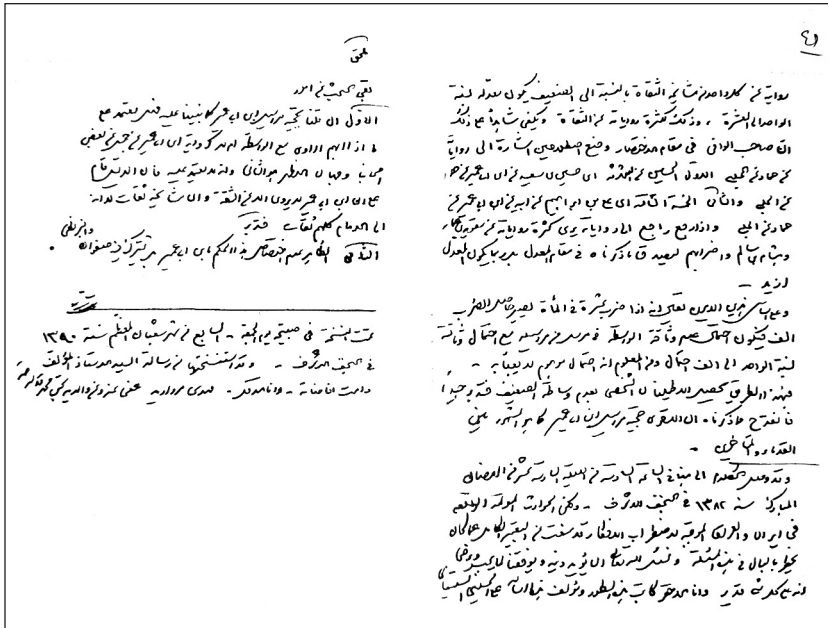
۴. تعبیر «عدة من اصحابنا» نیز در مراسیل غالباً به افرادی صدق می کند که با هم محشور بوده اند و با هم نزد امام علی (ع) رفته و از ایشان حدیثی را شنیده اند. بنابراین نباید تمامی مشایخ ابن ابی عمیر را عدل آنها قرار داد بلکه باید آنها را در میان این گروه هایی که با هم بوده اند؛ جستجو کرد و در اینجا روش حساب احتمالات در محدوده مشخصی کارایی دارد.

پیوست ۱

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت های آن

۱۴۹





روشن‌شناسی
علوم اسلامی

سال اول، شماره ۲
پاییز و زمستان ۱۴۰۴

۱۵۰

منابع

ابورغیف، سید عمار. (۱۴۰۹ق). *الأسس المنطقية في ضوء دراسته الدكتور سروش*. قم: مجمع الفكر الاسلامی.

ابوزید العاملی، احمد عبدالله. (۱۴۲۸ق). *مدخل الى نظرية الاحتمال*. فقه اهل البيت عليه السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اهل البيت عليه السلام. شماره ۳۰.

اردبیلی، محمدبن علی. (۱۴۰۳ق). *جامع الرواة وازاحة الاشتباهات عن الطرق والأسناد*. بیروت: دار الأضواء.

استرآبادی، محمدبن علی. (۱۴۲۲ق). *منهج المقال في تحقيق احوال الرجال*. قم: آل البيت عليه السلام لإحياء التراث.

الهی خراسانی، علی. (۱۳۹۵). *نظريه اعتبار قانونی در گذار از شخصیت گرایي*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

ایروانی، محمدباقر. (۱۴۳۱ق). *دروس تمهيدية في القواعد الرجالية*. قم: مدین.

ایروانی، محمدباقر. (۱۴۳۵ق). *الفقه الإستدلالي*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

بخشی، محمدصادق. (۱۳۹۱). *(بررسی رجالی و حدیثی اتحاد و تعدد ابن ابی عمیر (تحلیل، نقد،*

ارزیابی)، « حدیث و اندیشه، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۱۴.

حائری، سید کاظم. (۱۴۰۸ق). مباحث الأصول. قم: مطبعة مركز النشر.

حائری، سید کاظم. (۱۴۱۵ق). القضاء في الفقه الاسلامي. قم: مجمع الفكر الاسلامي.

حیدری، سید کمال. (۱۴۲۶ق). المذهب الذاتي في نظرية المعرفة. قم: دار فراق.

خسروپناه، عبدالحسین. (۱۳۸۳). «منطق استقراء از دیدگاه شهید صدر»، ذهن، ۱۳۸۳، شماره ۱۸، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۰۹ق). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة. چاپ چهارم. قم: دفتر آیت الله العظمی الخوئی.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۳۰ق الف). مقرر: مرتضی بروجردی. المستند في شرح العروة الوثقى (الصلاة). قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی.

خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۳۰ق ب). مقرر: علی غروی، التنقيح في شرح العروة الوثقى (الطهاره). قم: مؤسسة احیاء آثار الامام الخوئی.

داوری، مسلم. (۱۴۳۸ق). اصول علم الرجال بين النظرية والتطبيق. مقرر: محمد علی صالح المعلم. الطبعة الثانية. قم: دار زين العابدين.

ربانی بیرجندی، محمد حسن. (۱۳۸۲). دانش رجال الحديث. مشهد: شرکت به نشر.

ربانی بیرجندی، محمد حسن. (۱۳۸۹). بررسی اعتبار احادیث مرسل. مشهد: بوستان کتاب.

سبحانی، جعفر. (۱۴۲۳ق). کلیات في علم الرجال. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

سروش، عبدالکریم. (۱۳۸۵). تفرج صنع. تهران. مؤسسه فرهنگی صراط.

سیستانی، سید محمد رضا. (۱۴۲۷ق). بحوث فقهية. بیروت: دارالمؤرخ العربی.

سیستانی، سید محمد رضا. (۱۴۳۷ق). قبسات من علم الرجال، مقرر: سید محمد بکاء. بیروت: دارالمؤرخ العربی.

شیری زنجانی، سید محمد جواد. (۱۴۰۲). استناد در روش شناخت رجال اسناد. چاپ دوم. قم: مرکز فقهی امام محمد باقر (عج).

شیری زنجانی، سید محمد جواد. (۱۴۲۹ق). توضیح الأسناد المشكلة في الكتب الأربعة (أسناد الكافي)، قم: دارالحديث للطباعة والنشر.

شیری زنجانی، سید موسی. (۱۳۶۲). دروس علم الرجال. رهیاب: سایت مدرسه فقاها:

www.eshia.ir

شیری زنجانی، سید موسی. (بی تا). تعلیقات آیت الله شیری بر اصحاب اجماع. بی جا.

روش شهید صدر
در به کارگیری
حساب احتمالات
در حجیت مراسیل
ابن ابی عمیر و
محدودیت های آن
۱۵۱

- شوشتری، محمدتقی. (۱۴۱۰ق). قاموس الرجال. چاپ دوم. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صدر، محمدباقر. (۱۴۳۷ق). الأسس المنطقية للإستقراء. الطبعة الخامسة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صدر، محمدباقر. (۱۴۴۰ق). دروس فی علم الاصول. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- شیخ طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة للشیخ المفید. تحقیق: حسن خراسان. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- شیخ طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۴۱ق). اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی). تحقیق حسن مصطفوی، چاپ هشتم، لبنان: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.
- عرفانیان یزدی، غلامرضا. (۱۴۱۹ق). مشایخ الثقات: الحلقة الاولى. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لطفی پور، محمد و حسینی شیرازی، سیدعلیرضا. (۱۴۰۳). «راهکارهای نوین در شناخت طبقه راویان»، تحقیقات علوم و قرآن و حدیث، بهار ۱۴۰۳، شماره ۱.
- مامقانی، عبدالله. (۱۴۲۸ق). مقباس الهدایة فی علم الدراية. تحقیق محمدرضا مامقانی. (۲ جلدی)، قم: انتشارات دلیل ما.
- مامقانی، عبدالله. (۱۴۳۱ق). تنقیح المقال فی علم الرجال (طبع الحديثة). قم: آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
- محقق حلی، جعفر بن الحسن. (۱۴۰۷ق). المعتمر فی شرح المختصر. قم: مؤسسه سیدالشهدا.
- مروارید، محمود. (۱۳۸۸). «شهید صدر و اصول موضوعه نظریه احتمالات»، نقد و نظر، ۱۳۸۸، شماره ۵۵، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۴۲ق). فهرست أسماء مصنفی الشیعه (رجال النجاشی). تحقیق سید موسی شبیری زنجانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- هادوی تهرانی، مهدی. (۱۳۷۰ الف). «معضل استقراء از نگاه شهید صدر»، کیهان اندیشه، ۱۳۷۰، شماره ۳۶، مؤسسه فرهنگی کیهان.
- هادوی تهرانی، مهدی. (۱۳۷۰ ب). «نقادی مبانی منطقی استقراء»، کیهان اندیشه، شماره ۳۷، مؤسسه فرهنگی کیهان.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۲۵ق). بحوث فی الفقه (کتاب الخمس). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل البيت علیه السلام.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود. (۱۴۳۳ق). بحوث فی علم الاصول. قم: مؤسسه الفقه و المعارف اهل بیت علیه السلام.